

امام رضا (علیه السلام) نماد فضیلت ها

<"xml encoding="UTF-8?">



طلیحه نوشتار

امام هشتم شیعیان حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) روز یازدهم ذیقعده سال 148 هـ. ق در مدینه دیده به جهان گشود. (1)

دوران امامت آن حضرت 20 سال بود که با سه تن از حکمرانان مستبد عباسی، یعنی هارون (ده سال)، امین (پنج سال) و مأمون (پنج) سال معاصر بود. امام رضا در آخر ماه صفر سال 203 هـ. ق در سن 55 سالگی توسط مأمون مسموم شد و در سناباد نوقان که امروزه یکی از محلات مشهد مقدس محسوب می شود به شهادت رسید و در محل مرقد فعلی به خاک سپرده شد. (2)

آن بزرگوار همانند دیگر امامان معصوم (علیه السلام) دارنده تمام کمالات و فضائل اخلاق انسانی در مرتبه اعلی بود. او آن چنان در قلّه شکوهمند کمال و فضیلت قرار داشت که نه تنها دوستان و پیروانش او را ستوده اند، بلکه دشمنان کینه توز و سرسخت به مدح و ستایش او پرداخته اند. درباره اوصاف اخلاقی آن حضرت «ابراهیم بن عباس» می گوید: «هرگز ندیدم که امام رضا (علیه السلام) به کسی یک کلمه جفا کند و ندیدم که سخن شخصی را قطع کند و ندیدم که نیازمندی را از درگاه خویش رد کند. او هرگز در حضور افراد تکیه نمی داد و هرگز او را ندیدم که با صدای بلند خنده کند، بلکه خنده اش تبسم و لبخند بود. وقتی که خلوت می کرد و کنار سفره می نشست، همه خدمت کاران و غلامان را کنار سفره می نشاند.» (3)

آن چه خوانندگان عزیز و محترم در پیش رو دارند، گامی است در بیان فضائل اخلاقی و صفات حمیده پیشوای هشتم شیعیان امید است که ره توشه ای باشد برای پویندگان راه امامت و ولایت.

برترین اندیشمند

خود امام رضا (علیه السلام) در مورد دانش بی کران حضرتش و برتری بر اندیشمندان و متفکرین علوم مختلف می فرماید: «زمانی من در مسجدالنبی می نشستم و در آن موقع دانشمندان زیادی در مدینه بودند، هرگاه یکی از آن ها در پاسخ پرسشی عاجز می گشت و دیگران هم نمی توانستند از عهده جواب برآیند، همگی به من اشاره می کردند و مسائل مشکل را مطرح می کردند و من پاسخ همه آن ها را می دادم.» (4)

مرحوم شیخ صدوق می گوید: «مأمون در هر جا که احتمال می داد دانشمندی باشد و توانایی مناظره و مباحثه با امام رضا (علیه السلام) را داشته باشد به مجلس خویش دعوت می کرد و او را با امام هشتم (علیه السلام) وارد بحث می نمود.

او در این زمینه تلاش های فراوانی به عمل آورد تا اندیشمندان و نظریه پردازان فرقه ها و گروه های مختلف اسلامی و غیراسلامی در مباحثه علمی بر آن حضرت پیروز شوند، اما امام رضا (علیه السلام) در تمام آن جلسات و مناظره های سنگین و پیچیده بر تمام دانشمندان عصر خویش غلبه می کرد. آن حضرت با کسی به بحث و مناظره نمی پرداخت مگر این که در پایان، طرف مقابل به فضیلت و برتری و دانش سرشار امام هشتم (علیه السلام) اعتراف می نمود و در برابر استدلال های قوی و محکم او سر تعظیم فرود می آورد.» (5)

دریای کرم

«یسع بن حمزه» می گوید: در مجلس امام رضا (علیه السلام) مشغول گفت و گو بودیم که مردی وارد شد و گفت: سلام بر تو ای فرزند پیامبر خدا! من مردی از دوستان شما هستم. اکنون از زیارت خانه خدا بازگشته ام و چیزی که بتوانم با آن خود را به خانه برسانم ندارم. مرا به دیارم بفرست، من دارای نعمت و دولت هستم و مستحق صدقه نیستم. آنچه به من ببخشی از سوی شما صدقه خواهم داد. امام (علیه السلام) از او خواست بنشیند بعد از پایان جلسه حضرت به خانه رفت و لحظاتی بعد در را بست ؛ سپس دستش را از بالای در بیرون آورد و پرسید آن مرد خراسانی کجاست؟ مرد پاسخ داد: این جا هستم. امام (علیه السلام) فرمود: این دویست دینار را بگیر و با آن هزینه سفر را تأمین کن. یکی از یاران حضرت پرسید: فدایت شوم به او مهربانی کردی و چهره پنهان ساختی؟!

حضرت فرمود: چون نیازش را برآوردم، نخواستم خواری خواهش را در چهره اش ببینم. آیا این حدیث پیامبر (صلی الله علیه و آله) را نشنیده ای که فرمود: کار نیکی که پنهان انجام شود، برابر هفتاد حج است. (6)

مدافع حریم اسلام

مسأله دفاع فرهنگی و علمی از کیان اسلام و جلوگیری منطقی از بدعت ها و گمراهی ها از ضروریات اسلام است و موجب پاداش های عظیم و محبوبیت های بسیار بزرگ در پیش گاه خداوند خواهد شد ؛ به طوری که پیامبر (صلی الله علیه و آله) در مورد نگهبانی از حریم دین و حکومت اسلامی فرموده است: «یک شب نگهبانی از حریم حکومت اسلامی برتر از هزار شب عبادت که روزش را انسان روزه بگیرد می باشد.» (7)

حضرت امام رضا (علیه السلام) در این راستا می فرماید: «عده ای از غالیان، اخباری را در مورد تشبیه به خدا و مسأله جبر در شأن ما به دروغ جعل کردند و با این بیهوده گویی ها عظمت خدا را کوچک نمودند.»

هر کس آن ها را دوست بدارد با ما دشمنی نموده و هر کس آنها را دشمن بدارد با ما دوستی نموده است ؛ هر کس با آن ها رابطه برقرار سازد از ما بریده است و هر کس از آن ها ببرد با ما پیوند برقرار نموده است، هر کس نسبت به آن ها بی اعتنایی کند، به ما نیکی نموده و هر کس به آنها نیکی کند، به ما بی اعتنایی و جفا کرده است؛ هر کس آن ها را گرامی بدارد به ما اهانت نموده و هر کس که به آن ها اهانت کند، به ما احترام نموده است، هر کس به آنها بدی کند به ما خوبی کرده و هر کس به آن ها خوبی کند، به ما بدی نموده است، هر کس آن ها را تصدیق کند، ما را تکذیب نموده و هر کس که آنها را تکذیب کند، ما را تصدیق نموده است. هر کسی که شیعه ماست، هرگز آن ها را یار خود نگیرد و با آن ها همکاری ننماید.» (8)

کرامات رضوی

معجزات و کرامات حضرت رضا (علیه السلام) بسیار زیاد است، به طوری که شیخ حرّ عاملی می نویسد: «معجزات امام رضا (علیه السلام) از حدّ تواتر تجاوز کرده است.» (9) بنابراین چه بسیار انسان هایی هستند که با تشرّف به بارگاه ملکوتی آن امام همام (علیه السلام) از دریای بی کران کرامتش بهره و نصیبی برده اند.

شیخ صدوق می گوید: وقتی رکن الدوله، یکی از وزرای حکومت آل بویه را از رفتن به زیارت امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام) با خبر ساختم، به من گفت: مرقد آن امام (علیه السلام) را بارها زیارت کرده ام و حاجت های زیادی از ایشان گرفته ام. هنگامی که به آن جا رفتم برای من دعا کن و به جای من زیارت نما که در آن مکان دعا اجابت می شود. (10)

«ابومنصور عبدالرزاق» وقتی فهمید که حاکم توس (معروف به بیوردی) فرزندی ندارد، به او گفت: چرا به زیارت امام رضا (علیه السلام) نمی روی تا در آن جا از خداوند فرزندی طلب کنی؟ من بارها در آن جا حوائجی از خداوند خواسته ام و خداوند حاجتم را به برکت آن امام بزرگوار بر آورده نموده است. حاکم توس می گوید: نزد امام رضا (علیه السلام) رفتم و از خداوند حاجتم را خواستم. خداوند فرزند پسری به من عطا کرد. (11)

انیس قرآن

ره پویان راه یقین و سالکان کوی عشق از آن جایی که دل در گرو ذات اقدس خداوند دارند، کتاب او را پرتوی از ذات الهی و واسطه سخن ربّ مالک با عبد سالک می دانند، از این رو با قرآن انس ویژه ای داشته و دل و جان و اعمال خویش را با آن گوهر حیات بخش خدایی می کنند.

در سیره هشتمین ستاره فروزان آسمان امامت و ولایت انس با قرآن به وضوح دیده می شود. آن بزرگوار هر سه روز یک بار تمام قرآن را تلاوت می کرد و در آیات آن تدبّر می نمود.

امام رضا (علیه السلام) شب ها هنگام خوابیدن، در بستر خویش زیاد قرآن می خواند و چون به آیه ای می رسید که در آن یادی از بهشت یا جهنم شده است، می گریست و از خداوند بهشت می طلبید و از دوزخ به خداوند پناه می برد: «...فَإِذَا مَرَّ بِآيَةٍ فِيهَا ذِكْرُ جَنَّةٍ أَوْ نَارٍ بَكَى وَ سَأَلَ اللَّهَ الْجَنَّةَ وَ تَعَوَّذَ بِهِ مِنَ النَّارِ.» (12)

همچنین درباره اوصاف قرآن سخنان گهرباری از ایشان به یادگار مانده است که هر خواننده را به فکر و اندیشه در این کتاب وا می دارد. آن حضرت قرآن کریم را کتاب هدایت گر، سرچشمه حیات و مایه عزّت دانسته، بنابراین می فرماید: «هُوَ حَبْلُ اللَّهِ الْمَتِينُ وَ عُرْوَتُهُ الْوُثْقَى وَ طَرِيقَتُهُ الْمُوَدِّي إِلَى الْجَنَّةِ وَ الْمُنْجِي مِنَ النَّارِ لَا يَخْلُقُ مِنَ الْأَزْمِنَةِ وَ لَا يَغْتُ عَلَى الْأَلْسِنَةِ لِأَنَّهُ لَمْ يُجْعَلْ لِرِمَانٍ دُونَ زَمَانٍ بَلْ جُعِلَ دَلِيلَ الْبَرْهَانِ وَ حُجَّةً عَلَى كُلِّ إِنْسَانٍ لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ لَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ؛ (13) قرآن ریسمان محکم الهی و دستگیره محکم و راهی نمونه و بی بدیل است که به بهشت منتهی می شود و انسان را از آتش نجات می دهد. در طول زمان کهنه نمی شود و ارزش و اعتبار خود را از دست نمی دهد، زیرا برای یک عصر قرار داده نشده است، بلکه راهنما، برهان و حجّت برای هر انسان است. باطل و نادرستی در آن راه نمی یابد، نه از پیش رو و نه از گذشته ها. این کتاب فرستاده خدای حکیم و ستوده است.»

پاسدار نماز

همه پیامبران و امامان و اولیای خدا حرمت نماز را به بهترین وجه حفظ می کردند و آن را با کیفیت بسیار عالی اقامه می نمودند. پس از معرفت به خدا و اصول اعتقادات، بر همه چیز آن را مقدّم می داشتند. از منظر حضرت رضا (علیه السلام) هیچ عملی برتر و با ارزش تر از نماز نیست و آن را در اول وقت اقامه می کرد به همین جهت آن حضرت (علیه السلام) به «ابراهیم بن موسی» فرمود: «لَا تُؤَخِّرَنَّ الصَّلَاةَ عَنْ أَوَّلِ وَقْتِهَا إِلَى آخِرِ وَقْتِهَا مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ...؛ (14) نماز را همیشه در اول وقت شروع کن و آن را بدون علت از اول وقت به تأخیر مینداز...»

امام هشتم به هیچ قیمتی فضیلت نماز اول وقت را از دست نمی داد. حتی در مهم ترین جلسات سیاسی و علمی امام به نماز اول وقت اهمیّت می داد. نقل می شود که به دستور مأمون، علمای برجسته از فرقه های گوناگون در مجالس مناظره حاضر می شدند و امام رضا (علیه السلام) با آن ها بحث و مناظره می کرد. در یکی از این مجالس «عمران صائبی» که از دانشمندان بزرگ بود، حاضر شد و درباره توحید با امام رضا (علیه السلام) وارد

گفت و گو گردید. در آن جلسه امام سؤال های او را با حوصله، متانت و استدلال های قطعی پاسخ داد و او را به سوی توحید متمایل کرد. هنگامی که بحث و مناظره به اوج خود رسیده بود، حضرت رضا (علیه السلام) احساس کرد که وقت اذان ظهر و هنگام نماز است، بنابراین به مأمون فرمود: وقت نماز فرا رسیده است. عمران صائبی که به حقایق دست یافته و از دریای دانش سرشار امام هشتم بهره هایی برده بود با التماس گفت: آقای من! گفت و گو و پاسخ های خویش را قطع مکن، زیرا دل من آماده پذیرش سخنان شماست. اما آن حضرت تحت تأثیر سخنان عاطفی و احساس برانگیز او قرار نگرفت و فرمود: عیبی ندارد نماز را می خوانیم و دوباره به گفت و گو ادامه خواهیم داد. در این حال امام و همراهان به اقامه نماز مشغول شدند. حضرت بعد از اقامه نماز دوباره به گفت و گو ادامه داد و پاسخ های روشن گرانه خویش را ارایه نمود. (15)

اسوه شجاعت

پس از شهادت حضرت امام موسی کاظم (علیه السلام) دوران امامت حضرت امام رضا (علیه السلام) در عصر هارون آغاز شد. با این که شرایط بسیار سخت بود امام امامت خود را آشکار و هدایت مردم را شروع کرد. محمدبن سنان که یکی از شیعیان است می گوید: به امام رضا (علیه السلام) عرض کردم: «شما چگونه جرأت کردید که بعد از پدران، امامت خود را آشکار کنید با این که از شمشیر هارون خون می چکد؟» آن حضرت در پاسخ سؤال من فرمود: «همان گونه که پیامبر (صلی الله علیه و آله) در برابر ابوجهل ایستادگی و مقاومت کرد و فرمود: اگر ابوجهل یک دانه مو از سرم بردارد من پیامبر نیستم، من نیز به شما می گویم: اگر هارون از سرم یک لایحه مو بگیرد، من امام نیستم.» (16)

حکیم خردورز

امام رضا (علیه السلام) در روزگاری که امامت الهی در حد پادشاهی و ولایت عهدی تنزل یافته بود، از عقل و خرد خویش بیش ترین بهره را برد و با تشکیل مناظرات و احتجاجات عقلانی، خردورزان را جذب خویش نمود و عده ای از آن ها را به راه اصلی و حجت ظاهری و امامت هدایت نمود. آن حضرت در تمام عرصه های زندگی به ویژه عرصه سیاسی اش رفتاری کاملاً حکیمانه و خردورزانه داشت. پذیرش ولایت عهدی در دوران امامتش یک موضع کاملاً عاقلانه بود که توانست تمام شیطنت ها و نقشه های مأمون را خنثی کند. نتیجه این خردورزی و تدبیر آن شد که اولاً: افرادی که حتی امام را نمی شناختند و یا بغض آن حضرت را در دل داشتند با این تدبیر حکیمانه جزو عاشقان و شیفتگان امام رضا (علیه السلام) شدند.

ثانیاً: نه تنها مأمون نتوانست معارضان و مخالفان شیعی را به خود خوش بین سازد، بلکه امام (علیه السلام) مایه امید و تقویت روحیه آنان شد و ثالثاً: نه تنها مأمون نتوانست امام (علیه السلام) را متهم به حرص بر دنیا و عشق به مقام و منصب نماید، بلکه حشمت ظاهری بر عزّت معنوی او افزود. کوتاه سخن این که مأمون در این معامله نه تنها چیزی بدست نیاورد، بلکه بسیاری چیزها را از دست داد. این جا بود که مأمون احساس شکست و خسران کرد و در صدد برآمد که خطای فاحش خود را جبران کند که تنها راه آن شیوه توسل به قتل و نقشه بود. (17)

پی نوشت ها :

1. اصول کافی، کلینی، ج 1، ص. 486
2. الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، شیخ مفید، ص. 304
3. عیون اخبار الرضا، شیخ صدوق، ج 2، ص. 182
4. بحار الانوار، مجلسی، ج 49، ص. 100
5. مأخذ قبل، ج 1، ص. 152
6. اصول کافی، ج 4، ص. 24
7. نهج الفصاحه، ترجمه ابوالقاسم پاینده، حدیث. 1355
8. اثابة الهداة، شیخ حرّ عاملی، ج 7، ص 446- 445.
9. همان، ج 6، ص. 117
10. همان، ج 6، ص. 103
11. عیون اخبار الرضا، ج 2، ص. 279
12. همان، ص. 196
13. بحار الانوار، ج 17، ص. 210
14. همان، ج 49، ص. 49
15. التوحید، شیخ صدوق، ص. 434
16. انوار البهیّه، محدّث قمی، ص. 340
17. گزیده ای از پیام مقام معظم رهبری (دامت توفیقاته) به نخستین کنگره حضرت امام رضا (علیه السلام) به نقل از مجله پاسدار اسلام، شماره 273، شهریور 1383، ص 13.